

## شہید محمود احمدی



سامانہ جامع سرداران و دوہزار شہید استان بوشہر

نام پدر	حسین
تاریخ تولد	۱۳۴۷/۰۱/۰۱
محل تولد	بوشهر - دیر
تاریخ شهادت	۱۳۶۵/۱۱/۰۴
محل شهادت	سلمچه
مسئولیت	رزمنده
نوع عضویت	بسیج
شغل	-
تحصیلات	پنجم ابتدایی
مدفن	دوراهک

## زندگینامه

شهید محمود احمدی در سال ۱۳۴۷ در دروازهک دیده به جهان گشود. هفت ساله که جهت فراگیری علم و دانش، وارد مدرسه شد و تا کلاس سوم دبستان درس خواند، اما به علت فقر و تنگدستی ناچار مدرسه را رها کرد و به یاری خانواده شتافت و به کارگری پرداخت. هفده ساله بود که پیروی از سنت محمد، ازدواج نمود.

در سومین سال جنگ تحمیلی بود که هوای جبهه های نبرد حق علیه باطل و یاری رساندن رزمندگان، شوری دیگر در سر او به وجود آورد و به همین خاطر با دیدن آموزش نظامی، آماده رزم با صدامیان کافر شد. شهید در بسیج، حضور فعال داشت، زیرا آنجا را مدرسه عشق یافته بود. با عشق به امام و انقلاب اسلامی، رزمنده ای مخلص و فداکار بود، به همین خاطر بارها در جبهه شرکت جست که از این جمله می توان عملیات های بدر، قدس ۴، والفجر ۸، کربلای ۴ و کربلای ۵ را نام برد. شهید بارها با وجود به اتمام رسیدن مأموریتش، جهت شرکت در عملیات، مأموریت های خود را تمدید می کرد. برای هر مسئولیتی که توسط فرماندهان اعلام می شد، آمادگی کامل داشت و با روحیه عالی پاسخ می گفت. در عملیات والفجر ۸ مسئولیت قایقران داشت، مجروح شد.

آخرین حضور شهید در سنگرهای مقاومت و ایثار در عملیات پیروزمندانه کربلای ۵ بود. شهید قبل از اینکه به خط مقدم برود، خبر شهید شدنش را به دوستانش اعلام کرده بود. حتی به یکی از همسنگراناش گفته بود به مادرم بگو که محمود دیگر بر نمی گردد و شهید می شود.

مزدوران بعثی، پیشانی مبارک او را که جای سجده های طولانی اش در نمازها بود، نشانه گرفتند که بر اثر این جراحت، بیهوش شد و او را به بیمارستان نمازی شیراز منتقل کردند که پس از چند روز بستری در تاریخ ۱۵/۱۱/۱۳۶۵ دعوت حق را لبیک گفت و به سوی خدای خویش شتافت و به فیض عظمای شهادت نائل آمد.

## وصیت نامه

اول سلام و درود بر امام زمان، و سلام بر امام امت خمینی عزیز و با سلام و درود بر شهدای صدر اسلام تا کنون و با سلام و درود بر رزمندگان اسلام.

اینجانب محمود احمدی در این موقع، لازم و واجب دانستم که یک وصیتنامه بنویسم، به فکر این افتادم که من راه خود را شناخته ام و با آگاهی کامل و چشمی باز با راهیان کربلا اعزام خواهیم شد. وصیتم به مردم این است که راه شهدا را فراموش نکنند و دعا برای امام زمان را فراموش نکنند و ما ان شاء الله کربلای حسینی را آزاد خواهیم کرد.

مردم شهید پرور ایران کمک های خود را به جبهه فراموش نکنید و جنگ، دیگر نزدیک است به نفع اسلام تمام شود و بعد از کربلا به قدس خواهیم رفت. ان شاء الله.

وصیتم به پدر و مادرم این است که بعد از من گریه و زاری نکنند و همیشه در فکر نماز و آخرت باشند، و بعد برای برادران بسیج و وصیتم این است که امور شهدا و راه شهدا را فراموش نکنند که قرآن میفرماید « و لا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احیاء عند ربهم یرزقون. »

مردم شهید پرور دوراهک مرا حلال کنید و در ضمن ناراحت هم نباشید. پدر و مادر و برادران و خواهرانم: حسین وار و زینب وار باشید و یار مظلومان باشید و همیشه در دعای کمیل و توسل شرکت کنید. مرا در بهشت شهدای دوراهک دفن نمایید.

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار.



سامانہ جامع سرداران و دھڑ شمیم استان بوٹھر